یادداشت روز

آنها که جامعه را در خواب می‌خواهند

۱- جامعه‌ای را در نظر بگیرید که تجربه زیست در یکی از پربرکت‌ترین روزگاران تاریخ را دارد. مردمانی که پیامبر اکرم(ص) را دیده‌اند، مواعظ او را از دو لب مبارکش شنیده‌اند، در رکابش جنگیده‌اند و زخم برداشته‌اند، دیده‌اند که او در باره علی (ع) چه گفته، حتی در رکاب علی (ع)هم جنگیده‌اند و پس از او با پسر ارشدش امام حسن (ع) بیعت کرده‌اند و... اما فرجام کار به اینجا می‌رسد که در روز تشییع جنازه او، پیکر مطهرش تیرباران می‌شود و هیچ‌کس چیزی نمی‌گوید! کار به آنجا می‌رسد که برادر دیگر او یعنی امام حسین (ع) در مقابل چشم مردمان و به دست مسلمانان! شهید می‌شود و باز هم کسی چیزی نمی‌گوید! چه کسی یا کسانی و با چه ترفندی توانستند جامعه را به این مرحله از سقوط و پستی برسانند!؟ آیا این همان مدینه‌النبی و همان آرمان‌شهر پیامبر بود!؟ ظاهرا که همان است! نماز و روزه و حج و... برپاست! اما پسر پیغمبر هم قربانی می‌شود! اینها تلخ‌ترین تجربیات بشری در کره خاک است و پس از آن هم بارها و بارها به طرق گوناگون تکرار شد. در همه این حوادث، از یک سو با جامعه‌ای روبرو هستیم که مسلمانند و از دیگر سو با افرادی که در آن جامعه مسلمان، خط و تحلیل خود را القا می‌کنند و آنگونه اسلامی را می‌سازند که از دل آن هم کاخ سبز اموی قابل توجیه و پذیرش است و هم به شهادت رساندن فرزند رسول‌خدا! فرجام این مدل مسلمانی چیست و به کجا می‌انجامد!؟

۲-«بنده در قضایای تاریخ اسلام این را مکرر گفته‌ام که چیزی که امام حسن(ع) را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود. مردم تحلیل سیاسی نداشتند. چیزی که فتنه خوارج را به وجود آورد و امیرالمومنین(ع) را آن طور زیر فشار قرار داد و قدرتمندترین آدم تاریخ را آنگونه مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود و الا همه مردم که بی‌دین نبودند؛ تحلیل سیاسی نداشتند. دشمن یک شایعه‌ای می‌انداخت، فورا این شایعه همه‌جا پخش می‌شد و همه آن را قبول می‌کردند! چرا باید این‌طور باشد!؟ اگر ملت، هوشیاری لازم را داشته باشد، شایعه دشمن مثل برف و یخی زیر آفتاب است. چه کسی باید این کار را بکند؟ شما جوانان باید بکنید. بنده با شما جوانان عزیزمان، حجّت خدا را تمام می‌کنم. من به شما عرض کردم و گفتم».

این سخنان که به روشنی یک خطر تاریخی و تجربه شده را برای ما بازگو می‌کند بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب است و بر آن است تا خطر تلاش برای انحراف جامعه از مبانی اصولی انقلاب و بستن پیرایه به آرمان‌های نخستین آن را هشدار دهد. خطری که سال‌هاست با آن مواجهیم و باید گفت نسبت به اهمیت و خطیر بودن آن غفلت شده است. این روش که نهایتا به تخدیر جامعه و آمادگی آن برای پذیرش القائات و شبهات منتهی می‌شود، دو بخش مهم و تعیین‌کننده را در مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد. حسب ظاهر، این مردم هستند که در این موضوع به خوابی خطرناک و رخوت‌آور فرو می‌روند. اما این همه موضوع نیست و بخش دوم که کم‌اهمیت هم نیست، کسانی هستند که دلشان می‌خواهد مردم در خواب غفلت و فراموشی فرو بروند تا بر سرشان آنچه می‌خواهند بیاورند. طبیعتا آن که می‌خواهد با این آفت خطرناک مبارزه کند هم باید به بیداری مردم اهتمام ورزد و هم به پاسخگویی به شبهه‌افکنی‌های دروغ‌زنان.

۳-مردم در طول سال‌های پیش و پس از انقلاب شکوهمند اسلامی دلدادگی و متابعت خود نسبت به امام راحل و امام حاضر را بارها و بارها نشان داده‌اند و در عمل ثابت کرده‌اند که تا پای جان و فدا کردن عزیزان، پای آرمان‌های رهبر انقلاب ایستاده‌اند. افتخارات پرشکوه دوران دفاع مقدس، همدلی در روزهای سخت، دفاع جانانه از انقلاب در جریان فتنه ۷۸ و ۸۸ و دهها نمونه دیگر، گواه بر این است که مردم در ادای دین خود کوتاهی که نکرده‌اند، هیچ بلکه از مسئولان و مدعیان هم پیش‌تر هستند. اما این سابقه و کارنامه درخشان و افتخارآمیز نباید ما را به خواب ببرد و از کید دشمن غافل کند. همان کیدی که به فرموده رهبر عزیز انقلاب، سبب تحمیل شکست به امام حسن و مظلومیت و غربت امیرالمومنین(ع) شد. تزریق رخوت، تزریق آسایش و رفاه‌طلبی، سرکوب روحیه ایثار، زهد و ساده‌زیستی و الگو قرار دادن مترفین و اشراف و در یک کلام، ایجاد انحراف در باور عمومی نسبت به اصول مبنایی انقلاب و از آن بدتر انحراف در بنیانگذار انقلاب- که رهبر عزیز در سالگرد عروج امام راحل نسبت به آن هشدار داد- اموری است که بی‌تردید به غفلت و تخدیر جامعه منتهی می‌شود و باید نسبت به آن به شدت هوشیار بود.

۴- اما اینکه چه کسانی و با چه هدفی سعی در ایجاد انحراف در باور مردم دارند و با آنان چه باید کرد، مهمترین پرسشی است که در این مقال قابل بیان است وگرنه مردم که به فرموده رهبر انقلاب مسلمانند و امتحان پس داده. انحراف در باورهای عمومی از آنجا آغاز می‌شود که عده‌ای درصدد بقاء در قدرتند و برای آن، نیازمند بسط نفوذ خود در جامعه و کسب رای و موافقت بخش‌های وسیع‌تری از جامعه‌اند. همین جا باید گفت که معمولا کسانی به این روش متمسک می‌شوند که می‌دانند یارای رویارویی با اصل باور مردم را ندارند و به ناچار به انحراف و تغییر شکل آن روی می‌آورند. در صدر اسلام نیز چنین بود. مشرکین ابتدا سالها با پیامبر جنگیدند و چون ناامید شدند، از در تظاهر به دینداری وارد شدند و به تدریج انحرافات را در دین مردم ایجاد کردند. البته بودند گروهی که از ابتدا اسلام آوردند و بعدها چرب و شیرین دنیا آنها را به خود مجذوب کرد. هردو گروه- که حالا دیگر دوتا نیستند و در پیوندی شوم یکی شده اند- برای بقاء در قدرت، آرمانها را دستخوش قلب و تغییر می‌کنند. اگر پیامبر(ص) همانند فقیرترین مردم زندگی می‌کرد، آنها به سبک اشراف و پادشاهان زندگی می‌کردند! اگر پیامبر یار و حامی مظلومان و محرومان بود، آنها با حلقه‌های ثروت و قدرت سران قبایل پیوند داشتند! اگر پیامبر برای خود و همه مسلمانان سهمی برابر از بیت‌المال قائل بود، آنها برای خود و فرزندان خویشانشان، سهم ویژه‌ای از بیت‌المال در نظر داشتند و به ثروت‌اندوزی از آن طریق می‌پرداختند! و خلاصه هرچه او کرده بود، اینها در مسیری کاملا متضادش راه می‌پیمودند! اما اینها که تضاد آشکار با سیره او دارد و طبعا باید به مخالفت جامعه منجر شود!

۵-از اینجاست که آنها برای سرپوش گذاشتن به زشتی کار خود، سه روش را بکار بستند؛ نخست آنکه به جعل حدیث و روایت روی آوردند و کوشیدند پیامبری به مردم معرفی کنند که توجیه‌گر کار آنان باشد! پیامبری که توجیه‌گر اشرافیت و دست‌درازی به بیت‌المال باشد! هزاران حدیث و روایت و خاطره، با همین هدف و با هدف تقدیس این افراد ساخته و پرداخته شد! فضائل عجیب و غریبی در این روایات مجعول برای برخی افراد ذکر شد که آنان را هم رتبه با پیامبر اکرم(ص) و حتی بالاتر از او قرار می‌داد و اینگونه وانمود و نقل می‌شد که رسالت پیامبر بدون حضور و نقش اینان اساسا به جایی نمی‌رسید! این راهکار، رخنه در دین و «انحراف عقیده» مردم بود. اما راهکار شوم دیگری هم در کار بود! منحرف کنندگان جامعه، در این مقطع کوشیدند گروه‌های ضعیف‌الایمان جامعه را در بخشی از ثروت ناحق و برآمده از بیت المال خود، شریک کنند! چرا!؟ تا مزدوران و پیاده نظام وابسته به مال حرام را در جامعه تکثیر کنند! اینها همان‌هایی بودند که سالها بعد سید الشهدا (ع) در روز عاشورا درباره چرایی عدم تاثیر کلام حق در دلهایشان فرمود: «شکمهاشان از حرام پر شده» این روش «تغییر سبک زندگی» مردم بود. تغییر از یک زندگی ساده، توام با زهد و قناعت به یک زندگی مترفانه و توام با زیاده طلبی و فزون خواهی. آنها برای تخدیر جامعه به یک عنصر دیگر نیز نیاز داشتند و آن «ماندن در گذشته» بود در آن زمان امام معصوم در جامعه بود و فریاد میزد و حقایق را به مردم یاد آور می‌شد اما منحرفین می‌گفتند ما به سنت و روش پیامبر عمل می‌کنیم و کاری به این حرفها نداریم! چرا!؟ چون پیامبر از دنیا رفته بود و می‌توانستند هر پیرایه‌ای به او ببندند و هرجور که می‌خواهند او را تفسیر و تاویل کنند و هر دروغی را به او نسبت دهند! اما امام حی و زنده، با کژی‌ها و پلشتی‌ها مبارزه می‌کرد، پس طبیعی بود که او را قبول نداشته باشند و دم از پیشوای از دنیا رفته بزنند! در باره صحابه نیز چنین بود. ابوذر، یار صدیق و زاهد پیامبر مورد خشم و کینه آنها بود اما همان زمان به شهدای بدر و احد افتخار می‌شد و بر سر اینکه اهل کدام قبیله بودند، دعوا می‌کردند! تغییر باورهای دینی، تغییر سبک زندگی مردم و نگه داشتن جامعه در گذشته، حربه‌هایی بود که کارگر افتاد و با اسلام عزیز آن کرد که کرد!

اما در مقابل اینان چه باید می‌شد؟ برای مبارزه با «انحراف عقیدتی» تنها و تنها باید به امام حی -که ادامه‌دهنده راه امام و مقتدا سفر کرده است- اقتدا کرد و به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی اسیر دروغ زنانی که پیشوای سفر کرده را چراغ راه می‌دانند تا هرجور که دلشان خواست تفسیرش کنند، قرار نگرفت. و برای مبارزه با «انحراف در سبک زندگی» و اخلاق عمومی جامعه، باید ابوذروار، در سادگی زندگی کرد و بر سر سفره شبهه ناک ارباب قدرت ننشست تا روز به روز پیاده نظام این سپاه پلیدی کم و کمتر شود.

فراموش نکنیم تاریخ در حال تکرار است. همانگونه که امروز ما گذشتگان را به ارزیابی و نقد می‌نشینیم، آیندگان نیز درباره ما چنین خواهند کرد و بالاتر از آن، باید روز باز پسین جوابگوی غفلت و کوتاهی خود در پاسداری از انقلاب باشیم. اگر می‌بینیم برخی از حضور مردم در تشییع شهدای گمنام و فریاد هیهات منا الذله آنان عصبانی شده‌اند، اگر می‌بینیم عده‌ای مدام شعار می‌دهند «بسیجی واقعی همت بود و باکری» و... برای آن است که رزمنده و انقلابی را فقط بعد از شهادتش می‌پسندند و از «نام آنها با حیله‌گری برای مقابله با «مرام» آنان بهره می‌گیرند. این جماعت سیره امام حسین(ع) و امام خمینی(ره)را نیز با همین انگیزه تحریف می‌کنند و باید به یاد بیاوریم که اینها در تاریخ سابقه داشته است و ما مکلف به ادای رسالت خویشیم.

حسین شمسیان

هشدار پوتین درباره مذاکرات هسته‌ای:

غرب از طرح درخواست‌های غیرممکن پرهیز کند

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به کشورهای غربی درباره طرح درخواست‌های «غیرعملی» در مذاکرات هسته‌ای با ایران هشدار داده است.

به گزارش پرس تی وی، پوتین روز جمعه در سخنانی در همایش بین‌المللی اقتصادی سن پترزبورگ گفت: ایران و کشورهای گروه ۱+۵ می‌توانند در آینده نزدیک به توافقی بر سر برنامه هسته‌ای تهران دست یابند و به غرب درباره طرح درخواست‌های زیاده‌خواهانه و غیرممکن از جمهوری اسلامی هشدار داد.

وی افزود دستیابی به یک توافق فراگیر هسته‌ای پیش از ضرب‌الاجل تعیین شده در ۳۰ ژوئن «برای آرام کردن اوضاع» اهمیت زیادی دارد.

رئیس جمهور روسیه همچنین پیش‌بینی کرد که اجرای یک توافق هسته‌ای احتمالی بین تهران و ۶ قدرت جهان تقریبا ۶ ماه طول بکشد.

خبرگزاری اسپوتنیک به نقل از پوتین گزارش داد: «من فکر می‌کنم امضای توافق فراگیر هسته‌ای باید در آینده نزدیک صورت بگیرد ... روند اجرای این توافق‌ها پس از آن آغاز خواهد شد. این مرحله نیز به حدود ۶ ماه زمان نیاز خواهد داشت.»

وی تاکید کرد تنها موضوع «غیر سازنده‌ای» که دورنمای توافق هسته‌ای ایران را به مخاطره می‌اندازد تلاش عمدی واشنگتن برای تضعیف هر گونه توافقی از این دست است.

ایران و ۱+۵ در حال حل جنبه‌های فنی و حقوقی توافق هسته‌ای هستند

مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای روسیه می‌گوید ایران و گروه ۱+۵ در مذاکرات هسته‌ای در حال تلاش برای حل و فصل مسائل فنی و حقوقی توافق نهایی هستند.

به گزارش فارس، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه و مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای این کشور می‌گوید ایران و گروه ۱+۵ در حال حل و فصل جنبه‌های فنی و حقوقی توافق هسته‌ای نهایی هستند.

به گزارش اسپوتنیک آقای ریابکوف روز جمعه بعد از نشست مدیران سیاسی ایران و گروه ۱+۵ در شهر وین تصریح کرد: گفت‌وگوهای دو طرف در روز جمعه به کاستن از اختلافات سیاسی و حل و فصل جزئیات فنی و ابعاد حقوقی توافق هسته‌ای با ایران متمرکز بوده است.

وی گفت: «تلاش ما در سه جنبه پیش می‌رود: حل مسائل سیاسی، تحلیل و حل تبعات حقوقی توافق هسته‌ای احتمالی و حل مسائل فنی و کارشناسی.»

معاون وزیر خارجه روسیه افزود در موضوع رفع تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران تاکنون پیشرفتی صورت نگرفته است.

دسترسی به اماکن و اشخاص عناصر ضروری برای توافق با ایران هستند

وزیر انرژی آمریکا در مصاحبه‌ای با یک شبکه خبری آمریکایی بار دیگر بر ضرورت دسترسی به اماکن و اشخاص برای دستیابی به توافق هسته‌ای نهایی با ایران تأکید کرد.

به گزارش فارس، ارنست مونیز، وزیر انرژی آمریکا روز جمعه در مصاحبه‌ای با شبکه خبری پی‌بی‌اس بار دیگر بر لزوم دسترسی به اماکن و اشخاص برای توافق هسته‌ای با ایران تأکید کرد.

مونیز در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا ضرب‌الاجل ۳۰ ژوئن برای توافق هسته‌ای، موعدی «واقعی» است گفت: واشنگتن خواستار توافق در تاریخ مذکور است.

او گفت: «ما مطمئنا می‌خواهیم در ۳۰ ژوئن به توافق برسیم. دلایل متعددی برای این موضوع داریم، اعم از تعاملاتی که باید بعد از آن با کنگره داشته باشیم و گزارشی که باید به آنها بدهیم. بنابراین داریم سخت تلاش می‌کنیم.»

دولت آمریکا بایستی مطابق مفاد قانونی که ماه گذشته به امضای باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا رسید توافقنامه هسته‌ای احتمالی را تا موعد ۹ جولای (۹ روز بعد از ضرب‌الاجل) تقدیم کنگره کند. در صورتی که دولت در موعد مقرر توافقنامه را تحویل کنگره دهد، دوره نظارت بر آن ۳۰ روزه خواهد بود؛ در غیر این صورت دوره مورد نظر به ۶۰ روز افزایش خواهد یافت.

ارنست مونیز افزود: « هدف ما تکمیل این توافق است تا ما و شریکانمان یعنی گروه ۱+۵ بتوانیم اطمینان داشته باشیم که برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است؛ و اینکه اگر چنین نبود، به سرعت این موضوع را تشخیص داده و به آن پاسخ‌های مناسب بدهیم.»

واشنگتن موظف است تحریم‌ها علیه ایران را تا حل PMD پابرجا نگه دارد

رئیس کمیته روابط خارجی مجلس سنای آمریکا روز جمعه در بیانیه‌ای با خاطرنشان کردن اظهارات مقامات دولت کشورش بار دیگر بر لزوم پابرجاماندن تحریم‌های ضدایرانی تا زمان حل «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرد.

به گزارش فارس، سناتور «باک کورکر»، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا روز جمعه بار دیگر تأکید کرد تحریم‌های ضدایرانی نباید تا زمان حل و فصل مسائل مربوط به «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران برداشته شوند.

طبق گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مجلس سنای آمریکا «کورکر» در این بیانیه به گزارش‌هایی مبنی بر اینکه دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا آماده امتیازدهی به ایران در مسائل مربوط به گذشته برنامه هسته‌ای ایران است، واکنش نشان داد.

او نوشت: «سال گذشته دولت به کمیته ما اطمینان خاطر داد که مسائل و نگرانی‌ها پیرامون تلاش‌های قبلی ایران در زمینه سلاح‌های اتمی قبل از هرگونه توافق نهایی و یا اقدام برای تخفیف تحریم‌ها، حل و فصل خواهد شد.»

گذشته نظامی برنامه هسته‌ای ایران هنوز روی میز است

سخنگوی وزارت خارجه آمریکا می‌گوید: گذشته نظامی برنامه هسته‌ای ایران و ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای کنونی این کشور بخش‌های جدایی‌ناپذیر از توافق هسته‌ای خواهد بود.

به گزارش فارس، «جان کربی» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا امشب در میان خبرنگاران مجدداً بر موضع آمریکا در خصوص پی‌امدی (جنبه‌های نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران) تأکید کرد.

کربی که تا چندی پیش سخنگوی وزارت دفاع بود گفت: «برای رسیدن به توافق باید دسترسی‌های مورد نیاز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به سایت‌های نظامی ایران، از سوی این کشور ارائه شود.»

وی افزود: «بحث ابعاد احتمالی نظامی برنامه هسته‌ای ایران، فعالیت‌های گذشته و فعالیت‌های کنونی ایرانیان را شامل می‌شود.»

اصل توافق هسته‌ای از زمان رسیدن به آن مهم‌تر است

وزیر خارجه روسیه روز جمعه تصریح کرد: رسیدن به توافق هسته‌ای از زمان رسیدن به آن مهم‌تر است و نباید به گمانه‌زنی در مورد احتمال حصول توافق تا ضرب‌الاجل پرداخت.

به گزارش فارس، «سرگئی لاوروف» وزیر خارجه روسیه روز جمعه گفت اصل توافق هسته‌ای با ایران و به سرانجام رساندن مذاکرات، از زمان رسیدن به توافق مهمتر است.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

کش

گفت: یکی از شبه روشنفکران غرب‌زده در مصاحبه با روزنامه شرق گفته است؛ ما باید نهایت تلاشمان را بکنیم که با عربستان همکاری داشته باشیم، آنها احساس می‌کنند ما حاضر نیستیم شریکشان باشیم!

گفتم: یعنی با آل‌سعود در جنایات وحشیانه عربستان در قتل عام مردم مظلوم یمن، حمایت از تروریست‌های وحشی داعش، کاهش قیمت نفت به نفع آمریکا، همکاری با اسرائیل و صدها جنایت دیگر شرکت داشته باشیم؟!

گفت: ایشان به جای محکوم کردن آل‌سعود، فرهنگ مردم ایران را مورد هجوم قرار داده است و تازه ادعای ایران‌دوستی هم دارد!

گفتم: چه عرض کنم، این قماش از وطن و مردم‌دوستی و اینجور چیزها چه می‌دانند؟! به یارو گفتند با «کشور» جمله بساز! گفت؛ با «کش» ور رفتم، خورد توی چشمم!

واشنگتن:

تحریم‌های ضدتروریسم ایران دست‌نخورده می‌ماند

هماهنگ‌کننده ضدتروریسم وزارت خارجه آمریکا تأکید کرد که هیچ یک از تحریم‌های مربوط به آنچه که حمایت ایران از تروریسم خواند، بعد از توافق هسته‌ای احتمالی ایران و ۱+۵ لغو نمی‌شود.

وزارت خارجه آمریکا در ادامه سیاست‌های خصمانه خود و در ادعایی واهی در تازه‌ترین «گزارش سالانه تروریسم» که روز جمعه منتشر کرده ایران را به حمایت از تروریسم متهم کرده است.

به گزارش ایسنا، وزارت امور خارجه آمریکا در گزارش سالانه خود که به مسئله مبارزه با تروریسم جهانی می‌پردازد ایران را به ادامه حمایت از گروه‌هایی که واشنگتن آنها را تروریست می‌خواند متهم کرده است.

در این گزارش ادعا شده است: ایران در سال ۲۰۱۴ به حمایت و مسلح کردن حماس در غزه و حزب‌الله در لبنان که اسرائیل را در یک سال گذشته هدف قرار داده‌اند، ادامه داده و از فعالیت‌های محدودی در آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و برخی گروه‌ها در خاورمیانه حمایت کرده است.

وزارت امور خارجه آمریکا در ادامه گزارش خود به حمایت ایران از دولت عراق و سوریه برای مقابله با گروه‌های تروریستی اشاره کرده و مدعی شده است که این اقدامات تروریستی است.

نکته مهم این گزارش آن است که در لیست حامیان تروریسم همچنان نام کوبا وجود دارد که دروغ بودن ادعای تغییر در رفتار آمریکا در قبال این کشور را نشان می‌دهد.

در همین ارتباط تینا کیداناو» هماهنگ‌کننده ضدتروریسم وزارت خارجه آمریکا همزمان با انتشار گزارش سال ۲۰۱۴ تروریسم، گفت هیچ‌یک تحریم‌های مربوط به آنچه وی حمایت ایران از تروریسم خواند، پس از توافق احتمالی هسته‌ای برداشته نمی‌شوند.

وی در خصوص اهمیت مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ مدعی شد : ما فکرمی‌کنیم که دنبال کردن مذاکرات ضروری است اما این به این مفهوم نیست که ما چشم خود را به آنچه که ایران بعنوان حامی تروریسم انجام می‌دهد، می‌بندیم. ما تحریم‌هایی را علیه ایران به ویژه در زمینه مسائل مربوط به تروریسم داریم. این تحریم‌ها تغییری نمی‌کند بنابراین این مسائل تنها به واسطه مذاکرات هسته‌ای که با آنها داریم، تغییر نمی‌کند.

وی تصریح کرد که در صورت توافق جامع هسته‌ای ایران و ۱+۵، سپاه از لیست تحریم‌های آمریکا خارج نمی‌شود و تأکید کرد: ما قصد نداریم هیچ یک از تحریم‌های مرتبط با تروریسم را لغو کنیم زیرا نگرانی‌ها در خصوص این مسئله همچنان باقی است.

خبر ویژه

تبرئه رژیم سعودی و تخطئه فرهنگ ایرانی از سوی آقای مشاور!

همکار سابق روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع می‌گوید، حس همکاری در میان ما ایرانی‌ها بسیار کم است وگرنه عربستان مایل است با ما همکاری و شراکت کند؟

محمود سریع‌القلم در مصاحبه با روزنامه زنجیره‌ای شرق گفت: ایران فی‌الذاته باید قدرتش درهمه صحنه‌ها افزایش پیدا کند. اما اگر این افزایش قدرت باعث شود که ما با همسایگان خود وارد یک جنگ سرد شویم، آنگاه معلوم است که درتاکتیک‌ها و روش‌هایمان ایراد وجود دارد. چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، عربستان یک کشور مهم منطقه است؛ به لحاظ سیاسی، نظامی، نفتی و اقتصادی. ما باید نهایت تلاشمان را بکنیم که با عربستان همکاری داشته باشیم و آنها از اینکه قدرت ما افزایش یابد، هراسی نداشته باشند. آنها احساس می‌کنند ما حاضر نیستیم شریک‌شان شویم.

وی می‌افزاید: عربستان در محافل بین‌المللی خیلی می‌گوید بیایید در مسائل منطقه‌ای با همدیگر شریک شویم. شما سیاست خارجی‌تان را چند جانبه‌گرایی کنید. حتی عربستان بارها این را گفته که حضور ایران در عراق، ضرورتی ژئوپلیتیک است اما اگر قرار باشد این حضور به ضرر دیگران باشد، خوب نیست. این حضور باید با همکاری دیگران باشد. بالاخره عراق و عربستان با همدیگر همسایه و عرب هستند و تاریخ مشترک هم دارند. حتی آنها تا آنجا پیش می‌روند که می‌گویند حضور ایران در سوریه و لبنان هم یک ضرورت ژئوپلیتیک است. اما اگر قرار باشد این یک بازی صفر-یک باشد و ایران با قدرت‌های منطقه‌ای همکاری نکند، آنها هم می‌روند و با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شریک می‌شوند و قدرت نظامی خودشان را روز به روز افزایش می‌دهند.

سریع‌القلم با تخطئه فرهنگ مردم ایران گفت: ما با دولت‌های منطقه، همکاری‌های جدی و پایداری نداشته‌ایم. البته از دیدگاه توسعه‌گرایان، من این را به فرهنگ ایرانی مرتبط می‌دانم. امیدوارم اشتباه کنم. ولی مطالعه و تحقیق و مشاهده، این را به من می‌گوید. حتی به لحاظ تاریخی، من از فرهنگ عمومی و رایج ایرانی این را می‌فهمم که ایرانی‌ها در سهیم شدن با همدیگر مشکل دارند. به نظر می‌رسد که لابه‌لای رفتارهای فرهنگی ما چنین ناخودآگاهی وجود دارد که اگر من با کسی همکاری کنم، از ابهت، شوکت، جایگاه و امنیتم کم می‌شود. بنابراین حس همکاری در ایرانی‌ها بسیار کم است.

این اظهارات در حالی است که عربستان از حامیان و تحریک‌کنندگان رژیم صدام برای جنگ ۸ ساله علیه ملت ایران بود و پس از آن نیز علی‌الدوام به خصومت با کشورمان در حوزه نفت و امنیت منطقه‌ای ادامه داده و غیر از کشورمان بر علیه منافع ملت‌های مسلمانی چون عراق، افغانستان، سوریه، بحرین، یمن، لبنان، مصر و لیبی وارد عمل شده است.

نظر آقای سریع‌القلم کجای این رفتار خصمانه علیه ملت‌های منطقه - و نه فقط ملت ما- بوی همکاری و شراکت می‌دهد؟ و اگر بنای بر شراکت باشد در کدام جنایت‌های عربستان باید شریک شد یا بر سر منافع کدام یک از ملت‌های منطقه باید معامله کرد؟ از جناب سریع‌القلم باید پرسید مثلا در عراق یا سوریه چگونه می‌توان با عربستان تعامل کرد در حالی که بی‌ثباتی و ناامنی امروز این کشورها مشخصا زیر سر دلارهای نفتی و استخبارات عربستان است که به نیابت از آمریکا و رژیم صهیونیستی عمل می‌کنند؟ سؤال بعدی این است که آیا از قبل تعامل کذایی و ادعایی، گستاخی آل سعود در تعرض به زائران ایران، کارشکنی در بازار نفت و گسترش جنایت‌ها علیه یمن سر بر نیاورد؟ و آیا خصومت سعودی‌ها امروز بیش از چند سال قبل نیست. که نگاه رفاقت و همکاری با عربستان هنوز در دولت حاکم نشده بود؟ خیانت و سرسپردگی عربستان را چرا باید توجیه کرد و وضعیت فعلی را به فرهنگ و روحیه ایرانی نسبت داد؟

سریع‌القلم البته برخلاف جریان تبلیغات رسانه‌ای که آمریکا را طرف میانه‌رو در مذاکرات می‌داند و به تخطئه اسرائیل می‌پردازند، اعتراف جالبی درباره مذاکرات کرده مبنی بر اینکه «اگر بخواهیم جایگاه و توانایی ۱+۵ را در مذاکرات کمی کنیم، من می‌گویم چین: صفر، سه کشور اروپایی: صفر، آمریکا: ۸۵، روسیه: ۱۵. ۹۵ درصد از عدد آمریکا هم، مربوط به قدرت و تشکیلات یهود در آمریکا است.»

اینکه ۹۵ درصد سهم آمریکا در مذاکرات متعلق به تشکیلات صهیونیستی است، معلوم می‌کند که ادعای تقابل آمریکا و اسرائیل در مذاکرات از اساس دروغ است.

نرخ رشد ادعایی دولت چه قدر محتوا دارد؟

مانور برخی مسئولان دولتی روی آمار رشد اقتصادی با انتقاد برخی روزنامه‌های حامی مواجه شد.

روزنامه شرق از قول محمد قلی یوسفی، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی نوشت: طبق آخرین آمار از سوی بانک مرکزی، رشد اقتصادی سه درصدی برای سال گذشته اعلام شده است، اما باید گفت این رشد حتی اگر وجود داشته باشد نیز چیزی را نشان نمی‌دهد، چرا که رفاه و پیشرفت اقتصادی منتج از آن حاصل نشده است. به عقیده من، هر نوع رشد در اقتصاد باید به افزایش کارآیی، بهره‌وری و ایجاد اشتغال در کشور برسد تا بتوان آن را دارای اهمیت خواند.

وی می‌افزاید: وقتی این رشد اقتصادی هیچ یک از این ویژگی‌ها را ندارد، اهمیت آن زیر سؤال می‌رود، چرا که هر کشوری در هر مقطعی هم که باید رشد را تجربه می‌کند، اما میزان و نتایج آن باید مد نظر قرار گیرد. از سویی باید بررسی کرد که چه شاخص‌هایی برای تبیین رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است و این رشد چه تأثیری روی زندگی مردم دارد. رشد زمانی معنادار است که با افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی، رفاه بیشتر و اشتغال همراه باشد. در غیر این صورت به راحتی می‌توان مشاهده کرد که رشد اقتصادی از طریق تزریق پول یا صادرات نفت یا فعالیت‌های غیر مولد، ایجاد شده باشد که کمکی به تقویت اقتصادی کشور نخواهد کرد.

از سوی دیگر روزنامه آرمان در یادداشتی خاطرنشان کرد: جامعه به آمار و ارقام‌های منتشر شده چندان اعتمادی ندارد. یکی از مهمترین دلایل کم‌اعتمادی آحاد جامعه نسبت به آمار و ارقام اعلامی از سوی مؤسسات دولتی تطبیق وضعیت معیشتی موجود نسبت به میزان تورم اعلام شده از سوی دولت است.

آرمان افزود: مقایسه این نرخ تورم با نرخ تورمی که هر روز آحاد جامعه در برابر خرید روزانه سبد معیشتی خود می‌نمایند تردیدهایی را در مورد صحت این آمار پدید می‌آورد. همین امر ممکن است باعث شود باور مردم نسبت به سایر آمارهای دولتی صرف‌نظر از هر منشأ اعلامی نیز با چالش روبه‌رو شود. گذشته از اینکه اگر نرخ ۳ درصد رشد اقتصادی هم واقعی باشد ظرفیت جذب نیروی آماده به کار کشور را ندارد، علی‌ایحال این رشد اقتصادی ۳ درصد در قیاس با سایر متغیرهای اقتصادی همخوانی ندارد. متأسفانه رسم بر این شده که مسئولین برای فرصت بخشیدن به اظهارات خود از آمارها کمک بگیرند و به سبب تعدد آمارها گاهاً از آن دسته از آمارهایی بهره می‌گیرند که بیشتر با هدف آنان سازگار است.

از سوی دیگر فرشاد مؤمنی اقتصاددان معتقد است: در ادبیات توسعه ذیل حداقل ۲۱ عنوان تصریح می‌شود که می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که رشد اقتصادی اتفاق بیفتد بدون اینکه تغییر معنی‌داری در بنیه تولید ملی و کیفیت زندگی عامه مردم حاصل شده باشد و علی‌الاصول مسئولان اقتصادی دولت هم به این کاستی‌ها و محدودیت‌های شاخص مورد اشاره آگاهی دارند اما مرتب این را تکرار می‌کنند. فقط می‌توان از سر شفقت و دلسوزی برای دولت و آینده کشور این مسئله را گوشزد کرد که مبادا آنچه به عنوان ابزار تبلیغاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد در ذهن سیاست‌گذاران هم جدی گرفته شود.

وی در یادداشت خود در آرمان تصریح می‌کند: واقعیت این است که با مقیاس‌های متعددی در گزارش‌های تهیه شده در همین دولت نشان داده شده که بخش قابل اعتنایی از کاهش تورم بیش از اینکه محصول اعمال سیاست‌های مشخصی از ناحیه دولت باشد، در واقع محصول واکنش عقلایی مردم نسبت به توقف روندهای تهدیدزا و تنش‌آفرین بوده است.

این اقتصاددان معتقد است: بیشترین تکیه‌گاه دولت محترم و دست‌اندرکاران امور اقتصادی آن، تمرکز در کند کردن رشد پایه پولی است و این در حالی است که در همان دوره‌ای که چنین ادعایی مطرح شد گزارش‌های رسمی حکایت از رشد نسبتاً معنی‌دار نقدینگی داشت. بنابراین اگر مردم نسبت به سیاست‌های تنش‌آفرین و آینده‌هراسانه انتظارات خود را تفسیر کرده‌اند این به معنای اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مشخص و کارآمد از ناحیه دولت نیست.

وی ادامه می‌دهد: باید مشفقانه از مسئولان اقتصادی کشور خواست تا به سمت ارتقای بنیه تولید ملی و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای تقاضای فرصت‌های شغلی حرکت کنند.

مگر آمریکایی هستید که «مرگ بر آمریکا» به شما برخورد؟!

رسانه‌های زنجیره‌ای به حضور گسترده و معنادار مردم در مراسم تشییع و بدرقه پیکر شهدای غواص با عصبانیت واکنش نشان داده و تلاش کردند این حادثه تاریخی را به حاشیه ببرند.

به گزارش جهان، در حالی که جمعیت شرکت‌کننده در مراسم تشییع شهدای غواص خواستار ادامه راه این شهدا و عمل به پیام شهادت مظلومانه آنان مبنی بر تسلیم‌ناپذیری در مقابل دشمنان شده بودند، رسانه‌های زنجیره‌ای تلاش کردند شعارها و دست‌نوشته‌های انقلابی مردم را در این مراسم زیر سؤال ببرند.

گرچه انتظار می‌رفت که رسانه‌های مذکور و همچنین دولت و تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای با تأسی از پیام‌های انقلابی شرکت‌کنندگان در تشییع پیکر شهدا، پیام این مراسم باشکوه را درک کنند اما با فرافکنی و متهم کردن مردم، راه فرار از پاسخگویی را انتخاب کردند. اعتراض این رسانه‌ها به دست‌نوشته‌ها، شعارها و نیز سخنان سخنرانان مراسم تشییع شهداست. آنها شرکت کنندگان را متهم می‌کنند که این مراسم را تبدیل به میتینگ سیاسی کر